

شرح احوال و ارزش‌های ادبی ماتمکده بیدل قزوینی

حمید عابدیها*

چکیده

ماتمکده بیدل قزوینی از جمله مقتل‌های مهم (به اعتبار دقت در استنادات و تأثیرگذاری بر روی آثار پس از خود) و کم‌نظیر (از حیث ادبیت و بلاغت) تاریخ ادب فارسی است. مولاقربان ابن رمضان بادشتی قزوینی رودباری متخلص به بیدل (شاعر و مرثیه‌پرداز سده سیزدهم هجری، زنده به سال ۱۲۶۷ ق) در حدود ۱۲۴۸ ق اقدام به تألیف مقتلی به نظم (در قوالب گوناگون) و نثر (مسجع) نموده و طی آن، احوال و جریان‌ات حماسه عاشورای سال ۶۱ هجری را مستند به بیش از ده منبع تاریخی و روایی به تصویر کشیده است. در این پژوهش به ترجمه حال بیدل و مسایل کلی ماتمکده او و نیز روش تصحیح و توضیح اثر اشاره گردیده است، سپس برخی از ویژگیها و ارزشهای ادبی کتاب از جمله آنچه به نظم، نثر، بلاغت، سبک و تأثیرها و تأثرها برمی‌گردد، به میان آمده و نهایتاً با ذکر نمونه‌هایی، به نقد محتوایی - ساختاری کتاب پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: ماتمکده، بیدل قزوینی، مرثیه، ارزشهای ادبی، نقد محتوایی ساختاری.

۱. مقدمه

- در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری، حادثه‌ای در جهان اسلام روی داد که در اندک زمانی شعاع آن نه تنها بر سرزمینهای اسلامی بلکه بر تمام اقطار جهان تابید و افکار و اذهان جهانیان را به سوی خود جلب کرد و نام کربلا و عاشورا را بر سر زبانها افکند. امروز نام نهضت خونین کربلا و عظمت و قداست این حرکت شجاعانه به عنوان یکی از متعالی‌ترین جلوه‌های روح انسانی و ظلم‌ستیزی به گوش همه مردم عالم آشناست. گرچه

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز قزوین abediha_khasteh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۵

قهرمانان این قیام مقدس تعدادی اندک بودند لیکن به زودی بزرگترین حوادث تاریخی را تحت الشعاع عظمت قیام خود قرار دادند و نبردی که در یک بامداد، شروع و در نیمه همان روز پایان یافت بزرگترین جنگهای تاریخ را از خاطرها محو کرد. (صاحبکاری، ۱۳۷۹: ۱۷) - از آغاز تاکنون هیچ حادثه ای چون حادثه کربلا محور و مضمون ادب شیعه نبوده است. صدها کتاب و هزاران شعر درباره کربلا به زبان عربی و فارسی پدید آمده است. البته مسأله «غدیر» نیز جایگاه بلندی در ادب شیعه دارد و غدیریه های فراوانی در قرون اولیه اسلامی سروده شده است که علامه امینی بخش زیادی از این غدیریه ها را در مجلدات مختلف کتاب الغدیر گرد آورده است. به طور کلی می توان گفت مضامین مهم ادب شیعی در ادب عرب عصر اموی و عباسی، پاسخگویی به افتراهای مخالفان و شرح مظالم حکام جور و ذکر مصائب و مراثی اهل بیت(ع) و دفاع از حقوق ایشان و تفصیل حوادثی چون فاجعه طف و حبس و شهادت ائمه(ع) و کشتار انقلابیون بنی هاشم چون محمد بن عبدالله محض و زید بن علی بن حسین و یحیی بن زید و نیز شرح معجزات و مناقب امام علی(ع) و اثبات افضلیت و خلافت او و ذکر احادیثی در فضایل ائمه اطهار(ع) و برشمردن مطاعن غاصبان در حق ایشان و تخطئه آراء و فتاوی بعض فقهای اهل سنت است و در همه آنها روح انقلاب و دعوت به قیام مسلحانه و حالت تعرض و حماسه به چشم می خورد. در حقیقت ادب شیعه در لفظ و معنی پیرو کلام علی(ع) و ائمه اطهار(ع) بوده و بر محور خونخواهی و انتقام از ستمکاران و انتظار بهبود و فرج و اطمینان از آینده بهتر یعنی پیروزی تشیع بر مخالفان پیش رفته است. (آل داود، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷)

- ماتمکده بیدل قزوینی کتابی است به نظم و نثر در مراثی سیدالشهدا(ع) و یاران با وفای آن حضرت. مرثیه از نظر ماهیت جزء ادب غنایی است زیرا شاعر در آن، احساسات و عواطف خود را بیان می کند. مرثیه در ادب فارسی سابقه ای دیرین دارد و در نخستین دوران شعر فارسی یعنی دوران رودکی نیز دیده می شود و هم امروز در آثار شاعران معاصر رواج دارد. مرثیه ممکن است درباره یکی از ائمه دین باشد که از این میان آنچه بیشتر در بین مردم رایج است، معمولاً مراثی سالار شهیدان امام حسین(ع) است. این نوع، در ادبیات فارسی غالباً منظوم است و در هر قالب عروضی مخصوصاً در قصیده و مثنوی سروده می شود و از جاذبه های کار بیدل یکی این است که تقریباً نیمی از مرثیه های اثر خویش را در قالب غزل سروده است. شایان ذکر اینکه در گذشته های سبکی شعر فارسی، مرثیه های فاخر و ارجمند نوعاً در قالب قصیده سروده شده اند. با این حال سرایش مرثیه در قالب غزل نیز در ادبیات قدیم فارسی بی سابقه نیست؛ چنانچه خاقانی، غزل: صبحگاهی سر خوناب جگر

بگشایید / ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید (دیوان، ص ۱۵۸) را در سوگ فرزند خویش امیر رشیدالدین و سیف فرغانی، غزل: ای قوم در این عزا بگریید / بر کشته کربلا بگریید (دیوان، ص ۱۷۶) و مولانا، غزل: کجایید ای شهیدان خدایی / بلاجویان دشت کربلایی (کلیات، ص ۹۷۸) را در مرثیه کشتگان کربلا و حافظ، غزل: بلبلِ خون دلی خورد و گلی حاصل کرد / باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد (دیوان، ص ۱۸۱) را احتمالاً در رثای فرزند یا ممدوح در گذشته خویش؛ در همین قالب سروده‌اند. مرثیه با عنوان رثاء در شعر عرب هم بسیار رواج داشته. دیوان خنساء شاعره عرب (م ۲۴ هـ ق) مشحون از مراثی او در مرگ برادرانش است. همچنین در ادبیات فرنگی به مرثیه elegy گفته می‌شود و مراثی آلفرد تینسون (Alfred Tenison) شاعر دربار بریتانیا در نیمه دوم قرن نوزدهم در رثای دوست شاعر خود معروف است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲-۲۲۱) مشهورترین مرثیه منظوم در عزای حسینی ترکیب بند محتشم کاشانی (م ۹۹۶ هـ ق) است. دوازده بند او در ذکر وقایع کربلا تا زمان ما در مجلسهای عزای آن امام زبازد مرثیه خوانان و روضه خوانان بوده و به قول آذر بیگدلی «در اکثر بلاد اسلام بین الخاص و العام مشهور است.» (صفا، ۱۳۷۸: ۳۴۳) - ماتمکده جز آنکه در ردیف مقاتل ارزنده حماسه عاشورای ۶۱ هجری به شمار می‌رود، در زمره یکی از آثار فاخر نظم و نثر دوره قاجار محسوب می‌گردد که مع الأسف تاکنون از توجه دانشمندان علوم ادبی و نیز پژوهندگان تاریخ تشیع و علاقه‌مندان به مراثی امام حسین (ع) پوشیده مانده و اقدام علمی در جهت تصحیح و شرح آن صورت نپذیرفته است. این غفلت، در حالی است که مرحوم آقا بزرگ تهرانی بیدل را به «شاعر ادیب» وصف نموده (۱۴۰۳، ج ۳: ۱۸۶) و صاحب قصص العلماء درباره او و کتابش مرقوم داشته است: «... و کتابی در مصیبت نوشته که در آثار حزن و اندوه سرآمد کتب مصیبت است و هرگز برای غیر اهل بیت علیهم السلام مدح نمی‌گفت و هجو نمی‌کرد بلکه اشعارش منحصر به مراثی و نوحی و مصیبت است...» (ص ۱۴۸)

۲. پیشینه پژوهش:

به گواهی آنچه در فهرست واره دست نوشته های ایران درباره ماتمکده آمده است، از این کتاب بیست و نه نسخه خطی در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود می باشد. (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۸: ۲۳۵) پس از آمدن صنعت چاپ به ایران در دوره قاجار، کتاب در فهرست چاپ سنگی قرار گرفته است (مشار، ۱۳۵۳: ج ۴: ۷۱) و اکنون نسخه های چاپی

موجود از این نشر به مراتب کمتر از نسخ مخطوط، قابل دسترسی است. در سال ۱۳۸۸ هـ.ش آقای مراد علی توانا با اتکا به نسخه خانوادگی که در نزد وی بوده، بی هیچ مقابله و تطبیقی، صرفاً اقدام به چاپ تک نسخه خویش نموده که با اغلاط فراوانی به واسطه بدخوانی و نیز حروف چینی همراه شده است. مختصر اینکه تا این زمان هیچ کار علمی ای نه در جهت تصحیح و مقابله نسخه های دستنویس و نه درباره توضیح و تشریح این اثر صورت نگرفته است و پژوهش پیش رو، نخستین اقدام در این زمینه است.

۳. بیدل قزوینی (ترجمه احوال)

۱.۳ مولد و موطن: مولاقربان ابن رمضان بادشتی رودباری قزوینی اهل قریه باغدشت از روستاهای مربوط به بخش رودبار الموت (الموت شرقی کنونی با مرکزیت معلم کلایه) بوده است و در قرن سیزدهم می‌زیسته و هم در این قرن کتاب خود را تألیف نموده، رحلت او نیز در اواخر سده سیزدهم واقع گردیده است. اطلاع دقیقی از سال ولادت و وفات وی با استمداد از تذکره‌های دوره قجری و پس از آن و تواریخ ادبی موجود به دست نمی‌آید. عمده هر آنچه درباره احوال و آثار او ثبت و ضبط گردیده است، برگرفته از مقدمه نسبتاً مفصلی است که خود در ابتدای اثرش پرداخته و از آن نظر که در آن مقدمه مصنف بیشتر به احوال خویش در حین تألیف کتاب اشاره نموده و از زادگاه، زیستگاه، خاندان و سایر جزئیات زندگی خود جز آنچه مربوط به دوره تألیف ماتمکده می‌شده، سخنی نرانده است؛ معمولاً آنچه در تذکره‌ها و کتابهای مربوط درباره مؤلف و اثرش ذکر شده از نوع تقلید و تکرار است.

۲.۳ تخلص: و عنوان شعری وی چنانچه خود در مقدمه ای که برای ماتمکده پرداخته، بیدل است (قربان ابن رمضان البادشتی الرودباری القزوینی المتخلص ببیدل...) در فهرست وارده های نسخ فارسی و نیز در تذکره ها و تواریخ ادبی او را با عنوانهای: بیدل، بیدل قزوینی، بیدل رودباری، بیدل الموتی، بیدل تعزیت نگار، بیدل ماتمسرا و بیدل ثانی؛ می توان شناخت.

۳.۳ دیوان اشعار: مسلماً بیدل را دیوانی و دفتری از شعر بوده است و اگر جز این بود انتخاب تخلص بیدل صرفاً برای اشعار مندرج در ماتمکده که از حیث محتوا تماماً مرثیه و از نظر قالب غالباً مثنوی است؛ شایسته نمی نمود. به هر حال تاکنون دیوانی مستقل از وی یافته نشده و یا باقی نمانده است. توضیح اینکه آنچه در صفحه ۳۰۰ از جلد پانزدهم

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی به اشتباه با عنوان دیوان بیدل رودباری ثبت گردیده، در واقع نسخه خطی دیگری از ماتمکده است که آغاز و انجام آن عبارت است از:

دوستان آید از پیر و جوان سر به سر با ناله و آه و فغان

یک زمان گرییم در این انجمن بر حسین یعنی برای خویشتن

انجام:

با فغان لب بر گلوی او نهاد روی بر روی نکوی او نهاد

نیز، آنچه در صفحه ۱۸۶ از جلد سوم الذریعه تحت عنوان مثنوی برای بیدل ذکر شده است، اشاره به ماتمکده اوست. با اینهمه در صفحه ۱۸۸ از جلد دوم فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم از دیوان بیدل نامی که معشوقش در غزل، امام علی (ع) است سخن به میان آمده و چند بیت نقل گردیده است که جای تحقیق دارد که آیا این بیدل، کدام بیدل است. در قصص العلما و باب الجنه اشعار پراکنده ای از او درج گردیده چونان یک رباعی که در وصف حاج میرزا آغاسی وزیر محمدشاه قاجار سروده^۱ و یا تک بیتی که در هجو کسی که به تعبیر تنکابنی طویل اللحیه بوده و ریش درازی داشته و به قول گلریز در انجام کار او و یا به گفته تنکابنی در وساطت کار پدر او قصور نموده؛ روا داشته است.

۴.۳. تحصیلات: نکته دیگری که درباره بیدل بر مبنای مقدمه وی و اشارات باب الجنه و قصص العلما و نیز مذاقه در متن ماتمکده به دست می آید اینکه او به تحصیل علوم دینی و به تعبیر خود او «علوم رسمیه» در مدارس آن روزگار قزوین اشتغال داشته و به همین رو «مولا - ملأ» لقب گرفته است. وی در حدود ۶۰ سالگی به سال ۱۲۶۶ برای تقدیم کتاب خویش به دربار قاجار به تهران رفته و آن را به ناصرالدین شاه عرضه نموده و آن سال، سال دوم سلطنت ناصری بوده است. اینکه آیا در سالهای حضور در تهران به تحصیل یا تدریس اشتغال داشته یا نه، بر ما پوشیده است. گلریز (۱۳۶۸: ۴۰) و تنکابنی (صص ۱۴۹-۱۴۷) به تحصیل علوم از سوی او در قزوین و ارتباط و اعتبار وی در نزد حجه الاسلام حاج سید محمدباقر شفتی اشاره نموده اند. بیدل در جریان تألیف اثر خویش آنگاه که نیاز مالی می

یابد حجه الاسلام سید محمد باقر اصفهانی از وجوهات تحت تصرف خویش یکصد تومان نقد و دویست تومان حواله بروجرد به وی تسلیم و تقدیم می‌نماید. (همان: ۱۴۸) از آن سو پس از پایان کار تألیف، بعضی از علمای زمان کار او را می‌بینند و می‌ستایند. اینهمه، از سرشناسی و جایگاه علمی بیدل حکایت می‌کند.

۵.۳ تحول روحی بیدل: در بادی امر به نظر نگارنده اینچنین می‌رسید که آنچه صاحب باب الجنه درباره ارتکاب پاره‌ای از معاصی و اشتغال به مناهی و ملاهی با قید «احتمالاً» به بیدل نسبت داده است (ج ۲: ۴۰۸) ظاهراً اشتباهی است که از روی اظهار نظر خاضعانه خود او در مقدمه حاصل کرده است، آنجا که می‌نویسد: «... در شبی سیاهتر از نامه اعمالم و درازتر از رشته آرزو و آمالم با خود گفتم ای ببخود گشته شراب جهل و نادانی و ساغر شکسته رحیق علوم ربانی عمرت از چهل گذشت و تو در جهلی و زورق جسمت در گرداب بلاخیز دنیا به لای ناتوانی نشست و تو را گمان که در ورطه سهلی ...» یا جای دیگر که سخن از ابتلا به بیماری طاعون به میان می‌آورد و می‌گوید: «... اعمال ناشایسته این خطاکار مجسم شد و به صورت طاعون ظاهر گردید...» با اینهمه طی تورق قصص العلماء تنکابنی که در بخش مربوط به حجت الاسلام شفقی به مناسبتی سخن از بیدل به میان آورده و اذعان نموده که با بیدل صداقت داشته (ص ۱۴۷)، نوشته است: «بیدل که در بدو امر پرهیزگاری و تقوایی نداشت از آن پس تائب و زاهد و عابد بلکه ازهد و اعبداقران خود شد.» (ص ۱۴۸)

۲. ماتمکده

۱.۴ وجه تسمیه: انگیزه نام‌گذاری کتاب به ماتمکده، با قلم خود مولف در مقدمه توضیح داده شده است: «... چون هر ورقی از اوراقش مشتمل بر اظهار حزن و سوگواری و هر صفحه از صفحاتش متضمن بر اشعار عزا و ماتم داری بود هر کلمه از کلماتش را تشبیه کردم به ماتم داری که در عزای جناب سیدالشهدا لباس سیاه پوشیده و در ماتم سرای آن حضرت در عزا نشسته. لذا این کتاب را ماتمکده نام نهادم...». سپس بیدل قطعه شعری دوازده بیتی درباره این نامگذاری سروده که مطلع آن چنین است:

این مصیبت نامه آمد نامش از حکم قضا زآسمانم بر دل از دل بر زبان ماتمکده

آنگاه در مقطع برای اتمام کتاب یعنی سال ۱۲۶۷ ماده تاریخی را در مصراع دوم درج نموده است:

از ادب سر را به پیش آورد و در تاریخ گفت «محفلی شد بیدل از قدوسیان ماتمکده»
۲.۴ انگیزه تألیف: ماتمکده چنانچه باز از مقدمه آن برمی آید، در پی حدیث نفس و توبه و تنبیهی که در یک شب ظلمانی برای بیدل پیش می آید و خوابی که او در همان شب می بیند؛ ایجاد گردیده است. او در آن رویای صادقه جوانی نورانی و فرشته خصال را می بیند «که سراپای جسمش از جان سرشته» و لوحی را در پیش چشم او باز می دارد « که در آن لوح به خط جلی نوشته بودند من بکی علی الحسین او ابکی او تبکی و جبت له الجنئه» چنانچه پیشتر اشاره رفت مدتی در «فعل آوردن آن خیال کاهل» بوده و بدان اهتمام ننموده تا اینکه در سال ۱۲۴۸ مرض خانمان سوز طاعون قزوین گیر گردیده و «جمع کثیری از دار فنا کوچیده و به دار بقا آرمیدند». بیدل در این احوال و در حین ابتلا، به تربت پاک سیدالشهدا استشفاء می نماید و نذر می کند که «اگر شفا یابم کتابی را که خیال کرده بودم و به تاخیر انداخته اقدام نمی نمودم در روزی که نجات یابم شروع به تألیف آن نمایم» از آن پس به جمع آوری و مطالعه کتابهای مقتل و حدیث و اخبار مصیبت اهتمام نموده و «به طریق ترکیب نظم و نثر» اقدام به تصنیف کتاب کرده است.

۳.۴ سال آغاز و انجام تألیف کتاب: بنا به آنچه از مقدمه منثور مؤلف برمی آید وی با پایان چهل سالگی در اندیشه انجام کاری کارستان و پرهیز از قیل و قال مدرسه و علوم مدرسی بوده است و با خوابی که در همان روزگاران - به گونه ای که پیش از این شرح آن گذشت - دیده؛ برای تألیف کتابی در سوگ حسینی (ع) عزم، جزم نموده است و باز بنا به اظهارات وی در همان مقدمه پس از مدتی درنگ و اهمال در آغاز تألیف کتاب بلافاصله پس از رهایی از طاعون که در سال ۱۲۴۸ هـ ق بدان مبتلا بوده، اقدام به تصنیف ماتمکده می نماید. با فرض اینکه از موقع وقوع آن رؤیای صادقه مبشره مانند تا سال آغاز تألیف کتاب، درنگی که حاصل شده کمتر از یک سال بوده باشد، احتمالاً سن مصنف در آن هنگام (شروع کار ماتمکده) از چهل گذشته و سال ولادت او بر این اساس باید حدود ۱۲۰۷ هـ ق بوده باشد. نکته دیگر اینکه موقع اتمام جلد ثانی (به گواه ماده تاریخ شعر پایانی مقدمه یادشده) سال ۱۲۶۷ هـ ق بوده و مؤلف در آن هنگام حدوداً شصت سال داشته است. چنانچه گذشت، تا آنجا که صاحب این قلم جستجو نموده در هیچ جا از سن و سال،

ولادت و وفات مؤلف ماتمکده سخنی نرفته است. نیز درباره خاکجای او چیزی بر ما معلوم نیست.

۴.۴ روال روایی: روایت ماتمکده از زمان شهادت بنی هاشم و اصحاب به بعد یعنی با شهادت حضرت علی اصغر و تنهایی و تشنگی و سپس شهادت امام علیه السلام شروع می‌شود. بیدل در همان مقدمه موصوف تصریح می‌کند به اینکه بدو ماجرای شهادت امام و شروع دوره اسارت اهل بیت و گسیل داشتن ایشان از کربلا به کوفه و از آنجا منزل به منزل به سوی شام را منظور داشته و به رشته تحریر کشیده و بر آن بوده تا جلد دیگری را که مقدمات جریان حماسه حسینی را دربر گرفته شامل موضوعات: خروج امام از مدینه و سفر حج ایشان پس آنگاه حرکت کاروان امام به سوی کوفه و توقیف کاروان در کربلا و نیز مکاتبات و خطبات ایشان و سرانجام داستان نحوه آغاز جنگ و چگونگی به شهادت رسیدن مسلم و شهادت هفتاد و دو تن در روز عاشورا باشد؛ پس از این جلد ثانی تالیف نماید. علی ای حال تصنیف جلد اول هرگز اتفاق نیفتاده و ماتمکده بی آنکه دارای مجلداتی گردیده باشد در واقع همان جلد ثانی از طرح اولیه بیدل است. با این حساب ابتدای کتاب تنهایی و شهادت سالار شهیدان و انتهای آن بازگشت کاروان اسیران در اربعین اول به کربلا و زیارت خاکجای پاک شهداست.

۵.۴ ساختار و تقسیمات درونی: ماتمکده در نسخه اساس مشتمل بر ۴۰۷ صفحه ۲۱ سطری است که به سی و پنج مجلس تقسیم می‌شود و هر مجلس روایت یک جنبه از سوگواره حسینی را دربردارد. بعضی از مجالس به لحاظ گستردگی حجم و نیز به جهت عنوانهای فرعی که بیان آنها در ذیل عنوان اصلی آن مجالس ضروری می‌نموده، خود از تقسیم بندیهای جزئی تری که مشعله نام گرفته؛ تشکیل شده اند. به نظر می‌آید که ماتمکده با سی و پنج مجلس و مشعله‌های متعدد آن برای خواندن و شنیدن در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها از ابتدای ماه محرم تا اربعین حسینی در ماه صفر تنظیم شده بوده است چراکه تقسیمات داخلی کتاب اعم از مجلس و مشعل با حجمهای نسبتاً مساوی، به حدود پنجاه بخش (که همین ایام یادشده را دربر می‌گیرد) می‌رسد. برای نمونه عنوان سه مجلس نخست، که رسانای محتوا و همچنین ترتیب و توالی مضمونی هر مجلس است، به ترتیب آورده می‌شود:

مجلس اول: در بیان اراده کردن جناب سیدالساجدین به سوی میدان و استغاثه کردن سرور شهیدان و مأیوس شدن آن بزرگوار از یاری کردن پدر در آن عرصه پر انقلاب

مجلس دوم: در ذکر وصیت کردن جناب سیدالشهدا اهل بیت خود را به صبر و شکیبایی و شهادت علی اصغر شیرخواره از تیر ظلم اعدا
مجلس سیم: در وداع آن حضرت با اهل بیت طاهرین و مکالمات زینب خاتون با آن
امام مبین و سپردن اسرار امامت به سید الساجدین
محورهای موضوعی عمده هر مجلس بدین صورت است که بدو عنوان مجلس ذکر
می شود سپس خطبه ای براعت استهلال گونه و بسیار ادبی و شیوا در توحیدیه و مناجات
و نهایتاً گریز به داستان اصلی مجلس ایراد می گردد پس آنگاه با عنوان **آغاز کلام یا مطلب**
اول، خلاصه ای از پیرنگ اصلی روایت مستند به کتب اخبار بیان می شود و به تدریج در
لفافه ای از نقل روایت و گزارشهای متعدد زبان حال گونه، مقتل ادامه می یابد. نهایتاً هر
مجلس یا مشعله با آفرینی بر حسینیان و نفرینی بر یزیدیان پایان می یابد.

۳. تصحیح و توضیح ماتمکده

درباره ضرورت و اهمیت تصحیح و نشر نسخه های دست نویس مقتل و تعزیه و نیز
دشواریهای این مسیر، سخن بسیار است. ال. پی. ال. ساتن می گوید: مسأله عاجلی که هر
محقق در زمینه ساخت، زبان، لحن گفتار و امثال آنها در تعزیه نامه ها با آن روبرو می شود،
کمبود منابع منتشر شده و نایاب و حتی عدم دسترسی به نسخ خطی است. این کمبود، گاه
منجر به اظهار نظرهای بی چون و چرایی در جنبه های مختلف تعزیه می گردد که هر چه
این ابعاد بهتر شناخته می شوند مغایرت آنها با حقایق بیشتر می شود. از باب نمونه، محقق
محترمی اظهار داشته است که مجتث، بحر غالب تعزیه نامه های فارسی است. در حالی که
واقعیت امر، چنان که حتی از بررسی محدود نوای گفتار تعزیه نامه های ایرانی برمی آید،
بسی پیچیده تر از آن است. لذا بسیار مهم است که متون گفتاری و نوشتاری را نه تنها باید
ضبط و ثبت و تدوین و حفظ کرد، بلکه باید به چاپ نیز رساند و حتی الامکان هر چه
سریع تر در دسترس محققان قرار داد. (چلکووسکی، ۱۳۸۴: ۲۱۱-۲۱۰)

۱.۵ نسخه های دست نویس: با جستجویی که به عمل آمد، هشت نسخه خطی از کتاب
یافته شد که ذیلاً به طور گذرا معرفی می گردند:

۱. آ: نسخه مربوط به بخش نفائس خطی کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد دارای

۱۶۲ صفحه ۱۷ سطری

۲. ب: نسخه کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی قم دارای ۵۵۰ صفحه ۱۷ سطری

۳. س: نسخه کتابخانه امام صادق (ع) قزوین دارای ۴۰۷ صفحه ۲۱ سطری
۴. ص: نسخه دیگری از کتابخانه امام صادق (ع) قزوین دارای ۲۷۱ صفحه ۲۹ سطری
۵. ع: نسخه کتابخانه علامه رفیعی قزوین دارای ۴۶۰ صفحه ۱۸ سطری
۶. فا: نسخه بخش مخطوطات کتابخانه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ۲۲ سطری
۷. فب: نسخه دیگری از بخش مخطوطات کتابخانه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی دارای ۴۲۸ صفحه ۱۹ سطری
۸. م: نسخه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی قم دارای ۲۸۹ صفحه ۱۴ سطری

اجمالاً یادآور می‌گردد تمام نسخ دارای جلد چرمی تیماج با طرح گل و مرغ هستند. جز نسخه ص که قطع رقعی دارد، مابقی در قطع رحلی می‌باشند. خط نسخه های آ و ص و فا شکسته نستعلیق خوش و خط بقیه نسخ نستعلیق متوسط است. نسخه آ و ص ناقصند بدین نحو که آ، تا میانه مجلس هفتم و ص، تا مجلس بیست و نهم را دربردارند. با اساس قرار دادن نسخه «س» که تنها نسخه کامل و دارای مقدمه است، مقابله خوانی و مطابقه نسخ انجام گرفته پس از تصحیح و ترجیح و درج بهترین و درست ترین موارد در متن، اختلافات سایر نسخه ها به صورت پانویست گزارش می گردند.

۲.۵ روش تصحیح: گفتنی است تصحیح ماتمکده از میان چهار روش معمول تقریباً در شیوه بینابین صورت گرفته است چرا که تنها نسخه کامل دارای مقدمه مولف و انجامه های مرسوم - چنانچه پیشتر یادآور شد - نسخه «س» است؛ با اینهمه سایر نسخ از جهت کمال مطالبی که دارا هستند و نیز خوانا بودن بخش هایی که در نسخه اساس ناخواناست، ارزش و اعتبار خاص خود را دارند. پس از پایان کار تصحیح پنداشته می شود کتاب بدین صورت مدون گردد که پیش از شروع متن، مقدماتی شامل فهرست اصلی، پیشگفتار، انگیزه کار، روش کار، پیشینه پژوهش، ترجمه احوال مصنف، معرفی ساختاری - محتوایی و سبکی اثر و توصیف بلاغی و ادبی آن، معرفی نسخ و مواردی از این دست و پس از پایان متن بدو پی نوشتها که شامل توضیحات ضروری بلاغی، سبکی، تاریخی و برگردان فارسی و عبارات عربی است و سرانجام نمایه های پایانی شامل فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات، فهرست اعلام و جایها و فهرست آیات و احادیث و اشعار؛ در پی هم آیند.

۴. ویژگیها و ارزشهای ادبی ماتمکده

بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران برآنند که چون شاعران و سراینندگان تعزیه ها غالباً مردمی ساده و عامی و کم سواد بوده اند، ساخته ها و سروده های آنان ارزش ادبی چندانی ندارند و ارزش و اهمیت آنها صرفاً از لحاظ نمایشی است. به گمان ما اگر چه جنبه نمایشی اشعار تعزیه در درجه اول اهمیت است، لیکن جنبه ادبی آنها را نیز نباید نادیده گرفت. زیرا که اولاً سادگی و عامیانه بودن شعر، امری است نسبی و اعتباری و بستگی دارد به اینکه اشعار تعزیه با آثار کدامیک از شاعران مقایسه شود. ثانیاً همان طور که در بالا اشاره شد، همه اشعار تعزیه، ساده و عوامانه نیستند، اشعار شیوا و بلند و نغز حتی در سطح عالی ادبی هم در نسخه ها فراوان هستند. ثالثاً کلمات و اصطلاحاتی چون ساده، عوامانه، خشن، بی رویه و بازاری (که برخی از نویسندگان در توصیف اشعار تعزیه به کار برده اند)، هر یک مفهوم خاصی دارد. ممکن است شعری ساده و عامیانه و در عین حال روان یا نغز و لطیف باشد، اما سست و بازاری و مبتذل نباشد. رابعاً گذشته از آنکه شاعران نامداری چون شهاب اصفهانی برای تعزیه شعر ساخته اند، برخی از ابیات و قطعات نسخه های تعزیه عیناً با اندکی تغییر و تصرف از آثار و اشعار سخنورانی چون سعدی، حافظ، ابن حسام و جوهری اخذ و اقتباس شده اند. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۵۳۴)

در تعزیه سه رکن کلام، موسیقی و حرکت یا اجرا اهمیت بسیار دارند. کاربرد زبان شعر و موسیقی در بیان داستان و هماهنگی میان شعر و موسیقی با حرکات نمایشی در تعزیه برجسته ترین نقش و وظیفه را ایفا می کند. کلام در تعزیه، وزن دار و آهنگین و منظوم است. زبان منظومه های تعزیه، زبانی زنده و سالم و رسا و گویا و نزدیک به زبان رایج میان عامه مردم کوچه و بازار است. تعزیه سازان و تعزیه نویسان با آمیزش دو زبان ادیبانه فارسی و زبان ساده عامه مردم و به کارگیری واژه ها و اصطلاح ها و کنایه های رایج میان مردم توانسته اند اندیشه ها و مفاهیمی را که در فرهنگ مذهب شهادت وجود داشت به شکلی روشن و فهم پذیر و گیرا بیان کنند. گویی تعزیه نویسان این سخن پیامبر اسلام را که فرمود: (كَلِّمُوا النَّاسَ قَدْرَ عَقُولِهِمْ) در تعزیه به کار گرفته اند. تعزیه با زبان و بیانی روایت می شود که همه مردم به میزان خرد و معرفتی که دارند از آن درک معنا می کنند و هیچ راز و رمزی از تعزیه خوانی برای مردم کوچه و بازار پوشیده نیست. (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۶۲)

با این مقدمه، پس از این به برخی ویژگیها و ارزشهای ادبی کتاب مورد بحث، رسیدگی

می شود:

۱.۶ نظم ماتمکده

۱.۱.۶ ارزشهای عروضی: بیان کامل ارزشهای عروضی اشعار ماتمکده و شاهد آوردن برای هر یک از آنها، از مجال این مقال بیرون است. تنوع عروضی و قوت شاعر در هر قالب و بحر، مردّف بودن اکثر اشعار و خلاصه نشدن اشعار مردّف به ردیفهای فعلی ساده و عام بلکه برخورداری از ردیفهای اسمی و فعلی مرکب و تازه، روانی الفاظ و اوزان در عین رسایی معانی و مضامین و تأثیرپذیریهای متعدد و جالب از شیوه‌های عروضی (بحر، وزن، قافیه و ردیف) اشعار مشهور شاعران نامی پیش از خود؛ بخشی از این ارزشها و ظرافتها هستند.

۲.۱.۶ پیوند نظم و نثر: ماتمکده ترکیبی از نظم و نثر است و یکی از برازندگی‌های آن این است که از حیث حجم و نیز عیار ادبی، این هر دو نوع (نظم و نثر) برابری دارند و از ارزش مساوی برخوردارند؛ نظمی روان و نثری آهنگین. خود، در یکی از مثنوی‌های مجلس دوم کتاب چنین سروده است:

... گاه نظم و گاه مثنور آورم تا به دل سوز و به سر شور آورم

- اشعار مندرج در ماتمکده نوعاً مرثیه و به ندرت مناجات و پند و اندرزند. اشعار دعایی و اندرزی که هر از گاهی در لابه‌لای متن به چشم می‌خورند و نوعاً در قالب مثنوی سروده شده‌اند، همیشه در پایان مجالس می‌آیند ولی نوع غالب اشعار که همان مرثی هستند در همه بخشها با متن مثنور گره‌خوردگی دارند. گاه اشعار، دنباله روایت مثنور پیش از خود هستند و گاه تکرار منظوم عبارات نثر و این نوع دوم رایج تر است؛ به این معنی که بخشی از روایت، روضه و مصیبت به صورت نثر توصیف و سپس همان مضمون به رشته نظم کشیده می‌شود. شعرها آنجا که از زبان شخصیت‌های داستان کربلا روایت می‌شوند حتماً با قید «زبان حال» همراهند.

۳.۱.۶ قالبهای عروضی: - ماتمکده از حیث قالبهای به کار رفته برای اشعار، بسیار گونه‌گون و متنوع است. برای نمونه به آوردن مطلع بعضی از آنها به منظور نشان دادن وزن و بحر و معرفی قالب هر شعر، بسنده می‌گردد:

آری آن کس کاو نظام عالم است نظم حالش التزام عالم است
قالب: مثنوی وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن بحر: رمل مسدس محذوف

یکی می گفت بی یاور حسین وای شه بی خیل و بی لشگر حسین وای
قالب: مثنوی وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن بحر: هزج مسدس محذوف (ترانه)

غم اطفال به هر لحظه دلش خون می کرد عشق از دیده او یکسره بیرون می کرد
قالب: غزل وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعولن بحر: رمل مثنیٰ مخبون اصلم
مسبغ

خدا برادر زینب معین و یار ندارد غمش برون ز شمار است و غمگسار ندارد
قالب: غزل وزن: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن بحر: مجتث مثنیٰ مخبون

بلای کربلا را کسی نگشت خریدار بجز حسین علی کاو ستوده ثقلین است
قالب: قطعه وزن: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن بحر: مجتث مثنیٰ مخبون

آن کس که هوای دوست بر سر دارد یکباره دل از جان و جهان بردارد
قالب: رباعی وزن: مفعول مفاعیل مفاعیل فعل بحر: هزج اخرب مکفوف محبوب
ده ها بحر مشهور و غیر مشهور عروض فارسی و قوالب دیگری چون دوبیتی، دوبیت
و حتی غزل در مثنوی یا غزل مثنوی به فراوانی در ماتمکده بسامد تکرار یافته اند.
در کتاب گاهی اشعار عربی و گاه ملمّع نیز به زیبایی و بدون نقص دیده می شود که
حاکمی از تسلط وافر شاعر به نظم تازی و پارسی است. قالب اشعار عربی نوعاً قطعه است.
نمونه ای از اشعار عربی:

كفر القوم و قد مارغبوا عن ثواب الله ربّ الثقلين
یا لقوم من أناس رذل جمعوالجمع لأهل الحرمین ...
نمونه ای از ملمّعات:
تحیات الكرام الفائحات علیك بالعشی و الغداه

تو را ای شاه بالله می شناسند
 ... ولیکن دشمنان نشناختندت
 طیور الجوّ و الوحش الفلات ...
 رموک بالسّهام المهلکات ...

توضیح اینکه انواع ترکیب عربی - فارسی ملمعات نیز مختلف است و به صورت مصراع مصراع (عربی - فارسی و بالعکس)، بیت بیت (عربی - فارسی و بالعکس) و نیز اشکال نامرتب و درهمی از عربی و فارسی دیده می شوند.

۲.۶ نثر ماتمکده

۱.۲.۶ برخوردار از مشخصات نثر فنی: ماتمکده از نوعی نثر فنی مخصوص به خود برخوردار است. تقریباً تمام ویژگی‌های نثر فنی (که در برابر نثر مرسل قرار دارد) در آن با شواهد بسیار به چشم می‌آید و ضمن آن رنگ سبکی ویژه بیدل را نیز به خود گرفته است. برخی از نشانه‌های فنی بودن نثر ماتمکده:

الف: در ماتمکده - چنانچه در نثر فنی مرسوم است - «نویسنده برای بیان معنی کوتاه‌ترین راه را انتخاب نمی‌کند بلکه خواننده را همراه خود از راهی طویل پیش می‌برد تا در این مسیر، مجال آن داشته باشد که او را با مناظر گوناگون و زیبایی آشنا کند.» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۵۷) اینگونه است که «در نثر فنی، به خلاف مرسل، روش کلام اطناب است؛ یعنی آوردن الفاظ و لغات و ترکیبات و تعبیرات بسیار برای بیان مفاهیم و معانی اندک» (همان: ۵۸) یکی از روشهای رایج برای این هدف استفاده از تنسیق الصفات و تتابع اضافات و به کار بردن انواع سجع و جناس و تکرار در سطح حرف، صوت و واژه است.

ب: گذشته از موضوع «لفظ» در ماتمکده جمله نیز «با گرد آوردن الفاظ هماهنگ، گاه حتی به مراعات قواعد زبان نیز پایبند نیست بلکه تنها رنگ و آهنگ خود را که با تقارن و تناسب از الفاظ و ترکیبات دیگر کسب می‌کند، در نظر می‌گیرد ... در نثر فنی هدف اصلی از تالیف کلام ابداع و استعمال هرچه بیشتر ارکان زینتی است که در آغاز به صورت کلمات مترادف یا متوازن و مسجع و مرصع و سپس به صورت ترکیباتی از همین گونه، در جمل راه می‌یابد» در واقع «در نثر فنی رکن دیگری بر جمل اضافه می‌شود که از آن ... به رکن زینتی تعبیر شده است» (// : ۵۹)

ج: در نثر ماتمکده تعبیرات و ترکیبات مجازی هرچند از حیث کیفیت و تنوع به پایه شعر نمی‌رسد اما از نظر کمیت، به کثرت و به منظور زینت و آرایش کلام به کار می‌روند تا آنجا که اگر پس از قطعه‌ای منظوم، بخش مثنوی آمده است؛ آهنگ نثر کلام را که در

نظم بیشین فراز یافته بود با فرود محسوس و ناموزونی مواجه نمی کند. از دیگر سو اگر نثر، مقدمه ای برای شعر پس از خود می گردد؛ زمینه را برای آهنگین تر شدن و ادبیت بیشتر یافتن مناسب و مساعد می نماید. به تعبیر نگارنده سطور پیوند نظم و نثر در ماتمکده - بسان همه متون ترکیبی موفق - بدین گونه است که نثر سکوی پرشی برای شعر پس از خود و نظم، خستگی گیری برای ایجاد تنوع در نثر پیش از خود است.

د: در ماتمکده ارکان و اجزای دیگری نیز از قبیل آیات قرآنی و احادیث نبوی و اخبار و امثله و حکم و اشعار، به کار برده شده است. نویسندگان نثر فنی «این شیوه را هم برای ابراز مهارت خود در هنر نویسندگی و نشان دادن وسعت دایره معلومات و قدرت حافظه و هم به منظور پرمایه ساختن سخن و تاکید موضوع و معنی به کار می بردند.» (// : ۶۰)

۲.۲.۶ نمونه ای از نثر ماتمکده: گفتگوی این ذره بی مقدار بنا بر ماحصل عبارات ناقلان اخبار در جایی است که چون جناب سیدالشهداء سلام الله علیه بعد از آنی که طلب یاری کرد و معینی نیافت و استمداد نمود و احدی او را امداد ننمود آن حضرت دل از زندگانی دنیای فانی برکنند و چشم به تماشای ملک جاودانی گشود. رشته علایق ماسوی را به قوت سرپنجه انقطاع گسیخت و بار قیودات جهانی را به واجبی در صحرای امکان بر زمین ریخت. گردن انقیاد به طوق تسلیم نهاد و دیده تمنا به وصول کوثر و تسنیم گشاد. از برای احرام کعبه تقرب دوست یکباره از لباس خودی عاری گردید و قدم توکل و رضا بر وادی بی پایان صبر و ابتلا گذاشت. پس با سری پرشور از سودای وصال و دلی پر شرر از ناله جانسوز عیال بر در خیمه آمد و زنان و خواهران و دختران را طلب کرد و به زبان حال فرمود:

چو غیر کشته شدن نیست راه چاره مرا / اجل کنون ز شما افکند کناره مرا ...

(برگرفته از آغاز مطلب مجلس دوم)

۳.۶ بلاغت و مسائل سبکی ماتمکده

۱.۳.۶ صنایع بدیعی و بیانی: در میان نظم و نثر ماتمکده - چنانکه قبلاً در نمونه های آورده شده، معلوم گردید - انواع آرایه های ادبی و صناعات بلاغی دیده می شود که از آن

میان صنایع بدیع لفظی بسامدی بیشتر و حضوری پر رنگ تر دارند. پس از این، تنها به ذکر نمونه‌هایی از آرایه‌های بدیعی و بیانی کتاب پرداخته می‌شود.

- انواع سجع بسان: شوق، ذوق / محنت، محبت / فرموده، نموده / نوا، هوا / خاکسار، اخبار، غدار / رسالت، هدایت، خلافت، امامت، نبوت، شهادت / قتال، جدال / هلاک، خاک / حیات، ممات / یاران، میدان، غلطان، پریشان، سرگردان، خاندان
- انواع جناس به مانند: بلا، ابتلا / نیش، نوش / محمود، مسعود، محدود / چشیدند، کشیدند / خار، خوار
- واج آرای: پای آن زن در رهی آمد به سنگ شهد آسایش به کامش شد شرننگ (نغمه حروف ش)

- طباق: درد، درمان / جسم، جان

- متناقض نما: بزم مصیبت

- مزدوج: ... قیمت مطاع جان سپاری را طالبان یار دانند و لذت صبر و بردباری را شوق‌مندان دیدار

- جاندار انگاری: (تشخیص، جان‌بخشی)

دیدگانم را سر خونباری است ناله ام را صوت موسیقاری است
(تشخیص در: دیدگان)

آه از آن ساعت که آن علیا جناب چون به شامش برد گردون بی نقاب

(تشخیص در: گردون)

- مراعات النظیر: ستاره، سپهر، آفتاب، افق، برج / غنچه، حدیقه، گل، گلستان، برگ /

عقد، گوهر، نظم، متثور، در / ختا، چین، مشک، غزال

- تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی): لرزه محبت، صداع محنت، نیش بلا، بستر رضا، فراش

ارادت، شربت بلا، پیمانہ ابتلا، درالشفاء ولا، مرغ جان، بلبل طبع، طوطی نطق، غزال خامه، دشت چین نامه، سپهر رسالت، حدیقه هدایت، دشت شهادت

- استعاره بالکنایه تشخیصی (اضافه استعاری): دیده جان، پای دل، پنجه شوق وصال،

دامان ضمیر

- تضمین: شاهی که خداوند جهان گفته به وی لولاک لما خلقت الافلاک آمد

(تضمین حدیث قدسی: لولاک ...)

- تلمیح:

ز تشنه کامی‌ات امروز تا به روز قیامت دگر من آب جز از سلسبیل دیده ننوشم
(اشاره به آیه ۱۸ سوره انسان: عیناً فیها تسمى سلسبیل)

۲.۳.۶ سبک ماتمکده: از نظر سبک، ماتمکده را باید در شمار آثار منظوم و مثنوی دوره سبکی بازگشت ادبی در نظر آورد. بیدل نیز چونان سایر شاعران و نویسندگان دوره زندیه و قاجاریه بسان میرزا عبدالوهاب نشاط، قائم‌مقام فراهانی، میرزا محمدابراهیم نواب، میرزا جعفر حقایق‌نگار، میرزا احسن نسائی، مجدالملک روحی، محمدتقی سپهر، رضاقلی‌خان هدایت، عبداللطیف طسوجی، میرزا طاهر شعری، میرزا تقی علی‌آبادی، میرزا حبیب‌الله قآنی، فاضل‌خان گروسی و ... از حیث کلی متأثر از سبک و یا مکتب بازگشت ادبی - و به تعبیر ملک الشعراء بهار، رستاخیز ادبی (۱۳۷۵، ج ۳: ۳۱۶) - است که از یک سو در شعر خواه و ناخواه متأثر از سبک هندی‌اند که پس از دوره صفوی و شاعران برجسته و بنام و معتدل این سبک بسان صائب (۱۰۸۱-۱۰۱۰ هـ.ق) و بیدل (۱۱۳۳-۱۰۵۴ هـ.ق) به تدریج رو به ابتدال (تقلید، تکرار و ابهام) و افول گذارده بود و از دیگر سو به بازگشت به سادگی و در عین حال فخامت و استواری و روانی نظم و نثر دوره های سبکی قدیم‌تر مایلند. (ر.ک: بهار، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۱۶ به بعد) با اینهمه بیدل در نظم و نثر ماتمکده از نوعی سبک ابداعی شخصی نیز برخوردار است. به عنوان مثال در خطبه آغازین هر مجلس سعی بلیغ نموده تا الفاظ و مصطلحات مربوط به یک حوزه (حکمت، عرفان، نجوم، طب، گلستان و ریاحین، دریا، جواهر، پرندگان و ...) را حدالمقدور در قالب مراعات‌النظیر یا ترکیبات وصفی و اضافی و یا به هر شیوه دیگر در کنار هم بیاورد و خطبه را با آنها بیاراید. مثلاً خطبه مجلس هشتم سرشار است از واژگان و اصطلاحاتی بس روان که از سرچشمه حوزه واژگانی و معنایی «آب» می‌جوشد و سرازیر می‌شود:

زلال حمد و ثنا شایسته حضرت ذوالجلالی است که سحاب فیضش قطرات نسیان
عرفان بر قلوب عاشقان جمالش چکانیده و دلهای غواصان محیط ایقان را صدف گوهر
شاداب محبت لایزالش گردانیده. متعشان فرات رضایش را به نوعی تشنه ماء المعین
تسلیم کرده که تا از چشمه پیکان دست از جان نشویند و از خون خود وضو نسازند، اگر
کوثر و تسنیم به ایشان دهند لبی تر نسازند و تشنه کامان سرچشمه ولایش را به نحوی
متعش زلال وفا نموده که هر گاه در میدان ستیز از جدول شمشیر تیز، خون خود را سبیل
نمایند، به کافور و سلسبیل التفات نفرمایند.

- دیگر آنکه - به رغم سنت و سبک رایج آثار هم‌دوره خود - بر ذکر مستندات خویش در گزارش اخبار مقتل، اصرار ورزیده است. نمونه را، به چند مورد اشاره می‌رود:
- و اما در روایت **ابی مخنف** به این طریق است که آن حضرت خون خود را به جانب آسمان می‌افکند و می‌گفت ...
 - بنا به روایت **ملهوف** که صاحب **مجمع** نیز از **بحار** مثل او را ایراد نموده ...
 - ... ناگاه شیبه ملال انگیز ذوالجناح به گوش ایشان رسید. صاحب **منتخب** نوشته است که ...
 - صاحب **مجمع المصابب** از کتاب **منتخب** نقل کرده است که ...
 - همچنان که در کتاب **بحار الانوار** از مناقب قدیم از حضرت امام جعفر صادق و آن جناب از پدر بزرگوارش امام محمد باقر ...
 - صاحب **مشکوٰه** نوشته است که از سکینه خاتون مروی است ...
 - صاحب **تظلم** می‌گوید که عبدالله عمر وراق در کتاب خود ایراد نموده است که ...
 - وارد است اندر **حدیثی معتبر** از جناب صادق از اهل خبر ...

۴.۶ تأثیرها و تأثرها

بیدل چنانچه قبلاً به اشاره گفته شد از شاعران شهیر پیش از خود تأثیر پذیرفته، نیز بر مرثیه‌سرایان پس از خود تأثیر گذاشته است. شایان ذکر اینکه همه اشعار و ابیات فارسی ماتمکده بی تردید از خود بیدل و سروده اوست. تأثیر پذیریه‌های شاعر از پیشینیان عمدتاً ساختاری است و غالباً مربوط به غزل سرایی او می‌شود، چرا که نوع ادبی مرثیه که شعر او را در برگرفته برای تقلیدهای مضمونی و محتوایی این اقتضا را از شعر و این اختیار را از شاعر سلب نموده است. جز آنکه گاهی در مقام شعر تعزیه و سوگواره، هم از حیث لفظ و هم از نظر مضمون به شعر شاعرانی بسان محتشم کاشانی (م ۹۹۶هـ.ق) متوجه بوده است. در ادامه به نمونه‌هایی از تقلیدها و تأثرهای بیدل اشاره می‌شود

۱.۴.۶ تأثیر پذیریه‌ها:

در دو غزل با مطلع:

- (الف) یک طرف غرقه به خون دید شهیدانی چند مانده بی دفن و کفن تازه جوانانی چند
(ب) دیدم از راه رسیدند سوارانی چند بر سنانها سر پر خون شهیدانی چند

در وزن، بحر، ردیف احتمالاً به تقلید و تحت تأثیر دو غزل از شاعر برجسته و نام
آشنای هم دوره خویش فروغی بسطامی (۱۲۷۴-۱۲۱۳ ق) متخلص به مسکین و بعدها
فروغی، بوده است:

الف: ای به دلها زده مژگان تو پیکانی چند منت ناوک دل دوز تو بر جانی چند (دیوان،
ص ۶۷)

ب: دادن باده حرام است به نادانی چند کاب حیوان نتوان داد به حیوانی چند
(همان، ص ۸۱)

و نیز شاید تحت تأثیر شاعر حکیم و متأله هم عصر خویش حاج ملا هادی سبزه واری
(۱۲۸۹-۱۲۱۲ ق) متخلص به اسرار در یکی از غزلهای او با مطلع:

خورد چشم سیهت خون مسلمانی چند کرد ویران نگهت خانه ایمانی چند (دیوان،
ص ۱۰۵) و این هر سه (فروغی، اسرار و بیدل) بی امعان نظر به اینکه واقعا کدامیک متوجه
به شعر دیگری بوده اند، مسلماً با اندک اختلافی در قافیه؛ متأثر بوده اند از غزل مشهور
حافظ با مطلع ذیل:

حسب حالی نوشتی و شد ایامی چند محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند
(قزوینی، ۱۳۷۷: ۲۴۵)

شعر دیگری با مطلع:

منم ای شیر بیر افکن کنیز حضرت زهرا حریم آل پیغمبر غریبند اندر این صحرا
یادآور قصیده مشهور و فاخر سنایی غزنوی (م ۵۳۵ هـ ق) است با مطلع:

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه نه اینجا باش و نه آنجا

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۷۲)

در غزل ملمعی با مطلع:

سل اللغوب حفاتا یجلن فی الفلوات تو رنج راه چه دانی که خفته در
خلواتی

مسلماً با اندک اختلافی، تحت تأثیر و تقلید ملمع زیبای سعدی است که می فرماید:
سل المصانع رکباً تهیم فی الفلوات تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

(فروغی، ۱۳۸۸: ۷۸۰)

باز در غزلی با مطلع:

ای به گلزار تو گلها همه گلگون کفنان غنچه هایش همه زخم تن خونین بدان

کاملاً متأثر است از غزل حافظ با مطلع:

شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان
(قزوینی، ۱۳۷۷: ۵۲۶)

و بالاخره در غزلهایی با مطلع:

الف) سرهای کشتگان چو به نوک سنان رسید فریاد اهل بیت به هفت آسمان رسید
ب) چون عرش دین ز کرسی زین بر زمین فتاد لرزید نه سپهر که عرش برین
فتاد

که هرآینه تقلید و تأثری است از بندهای پنجم و هشتم ترکیب‌بند معروف محتشم
کاشانی با مطلع:

الف) چون خون ز حلق تشنه او بر زمین رسید جوش از زمین به ذروه
عرش برین رسید

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۴: ۵۹)

ب) بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد شور و نشور واهمه را در گمان فتاد
(همان: ۵۸)

۲.۴.۶ تأثیر گذارها: بیدل آنگونه که پیشتر ذکر آن رفت، بر روی سراینندگان مرثیه پس
از خود تأثیرگذار بوده است. بعضی از قطعات مرثیه او هنوز در میان اهالی روضه، نوحه و
مصیبت شایع است. تقریباً هیچ کسی نیست که با هیأت‌های عزای حسینی (ع) مانوس
باشد و زبان حال‌های متعدد شهیدان و اسیران کربلا را که بیدل سروده - بی آنکه سراینده
را بشناسد - نشنیده و یا حتی به خاطر نسپرده باشد.

هم امروز مادحین در بیان زبان حال سیدالشهدا (ع) در هنگام طلب آب از لشگر کوفه
برای طفل شیرخواره، به بیت ذیل از بیدل که در میانه یکی از مثنوی‌های ماتمکده آمده
است، - دانسته یا ندانسته - اشاره می‌کنند:

اگر به زعم شما من گناهکار شمایم نکرده هیچ گناهی علی اصغر است این
همین طور است آنگاه که در ذکر مصیبت حضرت ابوالفضل (ع) این بیت را که در میانه
غزلی در ماتمکده مضبوط است، مترنم می‌شوند که:

نه دست در بدن و نه به تن رمق داری بخواب جان برادر بخواب حق داری

- جز اینهمه، بیدل با ماتمکده اش تقریباً بر روی تمام مرثیه سرایان پس از خود تا روزگار ما از جهت مضمون و نیز ساختار تاثیر گذاشته است. به عنوان نمونه عمان سامانی (۱۳۲۲-۱۲۵۸ هـ.ق) در سرایش گنجینه الاسرار جابه‌جا متاثر از ماتمکده بوده است. به ویژه که بیدل و اثرش در زمان حیات عمان در اوج شهرت و مورد تقلید بوده اند. عمان سامانی تحمیدیه منشور خود را با این عبارات آغاز نموده است:

«معشوق مطلقى را حمد و ستایش سزاست جلّ جلاله که تمام موجودات عاشق مقید اویند. همه راه اوست می پویند و وصل اوست می جویند و حمد اوست می گویند...» (ص ۱۱)

در بخش منشور دیباچه، گنجینه الاسرار از حیث مسجع بودن نثر و به کارگیری صناعی از بدیع لفظی مثل سجع و جناس و آرایه‌هایی از بدیع معنوی مثل مراعات نظیر و سایر صناعات کاملاً متاثر از بخشهای منشور ماتمکده است.

تحمیدیه منشور مجلس اول ماتمکده:

«ستایش بی آرایش طبیی را سزاست که شوق بلایش درمان دردهای بی دواست و ذوق دردش شفای مرض‌های جان‌ریا. تب داران لرزه محبتش را قرص کافوری از خون جگر مرتب فرموده و سودازدگان صداع محنتش را حب ایارج صبر تجویز نموده...»

- عنوانها و مدخل‌های خزینه نیز از عنوانهای آهنگین و برخوردار از سجع و مزدوج ماتمکده رنگ گرفته است. برای نمونه:

«در بیان تعرض آن شمع انجمن حقیقت از پروانگان هوسناک و تجاهل آن گلشن معرفت از بلبلان مشوش ادراک...» (ص ۵۵)

نمونه‌ای از عنوانهای ماتمکده: (عنوان مجلس پنجم)

«در بیان اسلحه پوشیدن سرور شهیدان و رفتن به سوی معرکه عدوان و برخی از مقالات آن امام غریبان در میان کوفیان بی ایمان»

- عمان در سرایش بعضی از مثنوی‌های خود بسان:

باز مستی طاقتم را طاق کرد دفتر صبر مرا اوراق کرد ...

... مر مرا از حال خویش افزود حال خواب بود این می ندانم یا خیال (ص ۳۴)

همچنین:

باز وقت آمد که مستی سر کنم وز هیاهو گوش گردون کر کنم

از در مجلس درآیم سرگران
بر زمین افتان و بر بالا پران
(ص ۳۵)

و نیز:

باز دارم راحت و رنجی به هم
متحد عنوانی از شادی و غم
ناز پرور نو عروسی هست بکر
مر مرا در حجله ناموس فکر
(ص ۴۳)

چه در مضمون (مفاخره به شعر و اشاره به لبریزی جان از شوق محبوب و نیاز به تراوش عشق سرشار از راه سرایش) و چه در لفظ و ساختار و وزن و بحر، بی تاثیر از مثنوی های سروده بیدل در بحر رمل نبوده است. مثلاً:

بازم اندر سر هوای دیگر است
مرغ جانم را نوای دیگر است
بلبل طبعم به گلزار آمده
طوطی نطقم به گفتار آمده
نالهام را صوت موسیقاری است
دیدگانم را سر خونباری است

- از جمله شاعران مرثیه پرداز که متأثر از سبک بیدل و مضامین ماتمکده بوده، **جوهری تهرانی** متخلص به **ذاکر** است در **خزائن الاشعار**. به عنوان مثال ذاکر در مناظره و گفتگویی که بین فاطمه صغری (س) با مرغ خون آلودی که خبر شهادت امام را از کربلا به مدینه آورده بود به غزل و مثنوی بیدل در مجلس نوزدهم که به همین محتوا اختصاص یافته بسیار نزدیک شده است تا جایی که گمان می رود تراوش چکامه ذاکر از حیث مضمون اصلی و تعبیر درونی فرعی و جزئی کاملاً متأثر از آن بیدل باشد.

گزیده ای از ابیات خزائن الاشعار:

«... اشک خونین ز چه از چشم ترت می ریزد
گو به من خون که از بال و پرت می ریزد
من ماتم زده آخر پدرم در سفر است
ز غم دوری او خون دلم در بصر است ...»
(ص ۳۲۳)

گزیده‌ای از ابیات ماتمکده:

دل من برده ز جا صاحب این ناله کجاست
یارب این سوخته جان جن و ملک یا بشر است
ناله هدهد پر سوخته را می ماند
گویی از مرگ سلیمان جهان با خبر است
خزائن الاشعار:

«... تو مگر هدهدی و سوی سبا آمده‌ای
یا مگر قاصدی از کربلا آمده‌ای ...»

... بلکه آورده‌ای ای مرغ به این شیون و شین بهر صغرای جگرخون خبر مرگ حسین ...
(ص ۳۲۴)

- ماتمکده:

اگر غلط نکنم هدهد سلیمانی ز داغ مرگ سلیمان چنین در افغانی ...
... چه طایری ز کدامین دیار آمده‌ای ز مرگ کیست که تو داغدار آمده‌ای
- همچنین ذاکر در مقام زیارت حضرت صدیقه طاهره (س) با سر بریده سیدالشهداء
(ع) در تنور مطبخ خولی اصبحی از اشعار فراوان بیدل در همین مقام که در مشعله دوم
مجلس بیست و دوم ماتمکده آمده، تاثیر گرفته است.

- تشبیه رأس مطهر به آفتاب و ماه:

خزائن الاشعار:

«... در آنجا آفتابی منکسف دید به خاک تیره ماهی منخسف دید ...
... به شب مهری درخشان در زمین دید مهی با خاک و خاکستر قرین دید
سر چون مه ز روی خاک برداشت به رویش روی چون خورشید بگذاشت ...»
(صص ۳۳۰-۳۳۱)

ماتمکده:

... مگر ز خانه ام امشب دمیده صبح امید که گشته مطبخم اینگونه مطلع خورشید ...

... گمانم این سر پر خون که هست چون خورشید به صولجان بلا گوی قرب یزدان است ...

- جدا افتادن سر از بدن:

خزائن الاشعار:

«... چرا افتاده دور از تن سر تو بگریم بر سرت یا پیکر تو
سرت خولی به خاکستر نهاده تنت در کربلا بی سر فتاده ...»
(صص ۳۳۱-۳۳۲)

ماتمکده:

... گشته حسینش شهید زاین زیاد و یزید مانده تنش بر زمین رفته سرش بر سنان ...

... این سر نورانیات بر روی خاکستر چراست جان من قربان جسمت آن تن بی سر کجاست - میرزا محمود فدایی مازندرانی (متولد حدود ۱۲۰۰ق) از سخن سرایان و مرثیه پردازان پر توان دوره قاجار بوده و در دوره حکومت فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه زندگی می‌کرده است. وی مقتلی منظوم، موسوم به چهار نظام فدایی در چهار هزار و بیست و نه بیت که از آغاز تا انجام در قالب شعری ترکیب بند سروده شده، دارد. از فدایی، بیرون از چهار نظام، اشعاری در قالبهای مثنوی، رباعی و قصیده نیز به جا مانده که آمیخته است از نوحه سینه زنی و مرثی نوحه خوانی. (دیوان، صص پانزده - بیست و چهار) گمان می‌رود با وجود اینکه دو شاعر هم عصر بوده‌اند، فدایی از حیث ساختار و مضمون متوجه ماتمکده نیز بوده باشد به ویژه اینکه فدایی تا آخر عمر در مازندران و اطراف ساری ساکن بوده و حال آنکه بیدل به سبب سکونت و تردد در تهران، به شاعری و مرثیه سرایی شهرت داشته و مقتل او به فراوانی استنساخ و منتشر می‌شده است.

۵. نقد ماتمکده

ماتمکده به رغم همه برانزندیها و زیبایی‌هایش در ساختار و محتوا، به هر حال عاری از نقص و خلل نیست. مسلماً رسیدگی به اشتباهات و نقائص روایی و نیز خرافه‌هایی که از در تقلید و گاه از سر بی‌دقتی علمی وارد متن گردیده - و البته زیاد هم نیست - بر عهده پژوهندگان تاریخ تشیع و تاریخ زندگانی و حماسه امام حسین (ع) است؛ همچنانکه فهرست کردن و تحلیل نقائص زبانی و ادبی، بر گرده پژوهندگان زبان و ادب فارسی. نقل و طرح حتی نمونه‌هایی از خبط‌های اینچنین که در متن کتاب وارد شده، از مجال این مقال بیرون است. با اینهمه گفتنی است که موضوعاتی بسان نوجوانی علی اکبر، عروسی قاسم، کم سن و سالی امام زین العابدین، طلب عاجزانه آب از سوی امام شهید، زبان حال‌هایی از سوی خاندان عترت که با نوعی اظهار خواری و ذلت همراه است و نیز خرافه‌هایی که تحت تاثیر تقلیدها و تکرارها در داستان مرغان خون آلود، شیر و رأس بریده امام و خوارق عادت‌ی که به ذوالجناح نسبت داده شده، وارد گردیده؛ شایسته و بایسته نقد و نظر و اصلاح است. نارسایی‌های ادبی متن نوعاً به مسائل دستوری مثل خلا یا هرگونه اختلال در حرف اضافه در جمله به خاطر تنگنای وزن شعر و مسائل عروضی معدودی بسان تکرار غیرمجاز قافیه و نیز تسهیل حرف «ع - ه» و جذب آن در صامت ساکن پیشین - به رغم قواعد عروضی شعر کلاسیک - و بالاخره وقوع به ندرت عیب‌های شایگان و... در قافیه،

برمی‌گردد. پس از این به ذکر نمونه‌هایی از موارد ضعف و نقص محتوایی - ساختاری اشاره می‌شود.

۱.۷ نقایص محتوایی

۱.۱.۷ در ماتمکده گاهی خواری و ذلت به امام و اهل بیت ایشان - بیشتر در مقام شعر - نسبت داده شده است و این با شعار مسلم امام معصوم در این حماسه بزرگ مبنی بر «هیات منّا الذّله» منافات دارد.

- مجلس اول: ... نگاهی به طرف راست کرد یآوری ندید مگر اجساد پاره پاره شهیدان که در خاک و خون غلطان و در صفحه میدان با خواری افتاده...

- مجلس هشتم: ... بی حرمتی‌ام شعار سازند رسوا و ذلیل و خوار سازند

- مجلس چهاردهم:

آن سری را کز شرف گردون نبودی همسرش گوی چوگان جفا کردند و خوارش ساختند
۲.۱.۷ در مرثی متاثر از روضه الشهداء ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری بیهقی (م ۹۱۰ ق) تا روزگار ما، حضرت قاسم ابن حسن المجتبی (ع) دامادی ناکام که بنا بوده با یکی از دختران امام - و بنا به مشهور، سکینه خاتون - ازدواج کند؛ تصویر گردیده است تا جایی که صاحب این قلم جستجو نمود، در مقاتل مشهور و منابع قدیم از چنین موضوعی سخنی به میان نیامده است. بیدل در ماتمکده از دامادی قاسم سخن رانده و به مناسبت، از تصاویر و مضامین مربوط به جشن ازدواج، دامادی، حجله، حنا بستن و... بهره جسته است.

- مجلس پنجم:

... یکی گفتا ببین آه و فسوسم بکن رحمی به من من نو عروسم

مرا بی مونس و بی یار مگذار ببر بر قاسم داماد بسپار

- مجلس هفتم:

... ز ظلم نیست که قاسم به خون حنا بسته چنین ز داغ غمش چشم خون چکان داری

۳.۱.۷ اعدادی که به مناسبت‌های مختلف در ماتمکده مطرح می‌شوند گاهی از دقت تاریخی بی‌بهره‌اند و گاه حتی از چارچوب منطق، بیرون. آنچه مسلم است اینکه در اینگونه موارد ضعف، موضوع به مآخذی که مورد توجه صاحب اثر بوده بر می‌گردد. به عنوان نمونه یک جا از ۱۹۵۰ نفر از لشکر ابن سعد که به امام یورش می‌آورند سخن به میان آمده، یک جا از ۱۹۵۰ زخم بحث شده، در جایی داستان ۴۰۰۰ جن و ۴۰۰۰ فرشته که در ظهر

عاشورا به مدد امام آمدند مطرح است، در جایی به ۱۰۰۰۰ نفری که با حمله امام به درک واصل شده اند اشاره گردیده، جایی به روایت بحار الانوار مبنی بر تیر باران شدن امام به یکباره از سوی ۴۰۰۰ کماندار و جایی به روایت ابن شهر آشوب مبنی بر حمله‌ور شدن ۱۸۴۰۰۰ نفر به آن حضرت، استناد گردیده است. به هر حال اعداد و شمارگان از این دست برای پذیرش یا عدم پذیرش، قابل تحقیق و تامل و نقد تاریخی دقیق خواهند بود.

۴.۱.۷ در اکثر قریب به اتفاق روایات، حضرت علی اکبر، جوانی هجده ساله توصیف شده است. به عنوان مثال در جلد دوم مجالس تعزیه آمده است: حضرت علی اکبر فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، شبیه ترین مردم به پیامبر اسلام و مادرش لیلی دختر ابی مرّه بود. مطابق روایتها هجده ساله و در اوج جوانی در جنگ به دست قنغذ زخمی شد که در حمله بعدی، سپاهیان یکباره هجوم برده و آن جوان سرو بالا و رعنا را شهید کردند. امام حسین (ع) در لحظات آخر، سر او را به زانو گرفت و فرمود بعد از تو خاک بر سر دنیا! و نعش او را در خیمه برد و با قلبی پر اندوه به میدان جنگ بازگشت. (صالحی راد، ۱۳۸۰: ۱۷۶)

در میانه مجلس پانزدهم ماتمکده نیز به هجده سالگی حضرت علی اکبر اشاره رفته و حال آنکه «طبق گفتار آن دسته از دانشمندان شیعه و اهل سنت که گفته اند علی ابن الحسین که در کربلا به شهادت رسید علی اکبر بوده و در زمان خلافت عثمان به دنیا آمده باید سن آن حضرت در روز عاشورا بیش از بیست و پنج سال باشد، زیرا عثمان در سال ۳۵ هجری کشته شده و واقعه کربلا در سال ۶۱ بوده و روی این حساب باید علی اکبر ۲۶ یا ۲۷ ساله و دارای همسر و فرزند نیز بوده باشد. چنانچه عقیده محدث قمی در کتاب نفس المهموم است و بر این عقیده دلیل هایی هم آورده است.» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۸: ۴۶۵)

۲.۷ نقایص ساختاری

۱.۲.۷ انواع عیوب قافیه:

- بزرگوار خدایا به گریه های حسین
به ناله های جگر سوز طفلهای حسین
(عدم قافیه)

- مرگ یاران برده از جانش توان
وز عطش گردیده جسمش ناتوان
(عدم قافیه)

- ز شرار ناله من دل سنگها بسوزد
دل سخت تو ندانم به من از چه رو نسوزد
(عدم قافیه)

- با تن بی سر خود همره گلگون کفنان
شورش افکنم اندر همه محشریان
(ایطای جلی)

- چه گویم زان ستم هایی که در حق حسین کردند
که نتوانم بیان کردن یکی را از هزارانش
کشیدند از حجازش بر عراق و آب را بستند
به روی آن شه لب تشنه و اصحاب و یارانش
(قافیه این دو بیت با سایر قوافی شعر: امکانش، یزدانش، دنداننش و... هماهنگ نیست.)
- ای خدا مپسند بهر دوستان
ذلت و خواری ز دست دشمنان (شایگان)

۲.۲.۷ ضعف عروضی:

- خواهید کشتنم دگر این تشنگی چرا
من در جهان نمی کنم عمر دوباره ای
(تسهیل ع)

- در خانه ششدر ولا خوش بشین
کاین دیر محبت عافیت بنیاد است
(تسهیل ع)

- دوش در خوابت مسیحا هم زبان شد
گمرهت دید هادی راه جنان شد (تسهیل ه)
- ایستیم هر یک به چشم پر بکا
جا به جا در بارگاه کبریا (تسهیل ه)

۳.۲.۷ ضعف دستوری:

- قدر شهادت تو را غیر خدا که دانش
خون تو را چو خون بها گفته منم
خدای تو (ش زائد است)

- ای جهان پیمای چرا افتاده ای اینسان ز پا
رهبر راه صراط المستقیم تو
کجاست (حشو: راه)

۴.۲.۷ ضعف خوانشی:

- گویند که فدیة را نشان است
شرط صحت فدا همان است
(ح در صحت در این وزن بدون تشدید خوانده می شود.)

۶. نتیجه

هر اثر دست نویس که در زبان فارسی به رشته تحریر درآمده - حداقل از جهت سودمندی برای پژوهش‌های زبان‌شناسانه - شایسته احیا و بازبینی است؛ بویژه آنکه آن اثر از ارزشمندی تاریخی، ادبی و آیینی نیز برخوردار بوده، نقش عنصر تعلیم در آن، پرننگ باشد. ماتمکده بیدل قزوینی - یادگار نیمه قرن سیزدهم هجری قمری - از این دسته آثار است که برای پژوهش‌های دینی، تاریخی، بلاغی و سبکی می‌تواند در زمره نمونه‌ای از آثار فاخر ادبی قرار داشته باشد.

ماتمکده را از چند حیث می‌توان بررسی نمود. یکی از جهت مسائل تاریخی در حوزه ماجرای طف (حادثه کربلای ۶۱ هـ.ق) که به لحاظ اهمیت و عظمت و تأثیر در تاریخ اسلام و تشیع، از همان روزگاران در قالب تاریخ و مقتل، روایت‌هایی از آن موجود بوده و هست. دو دیگر از منظر بلاغت و ادبیت و تأثیرها و تأثرها در نظم و نثر که در این جهات نیز قابل ملاحظه است. تدوین نسبتاً علمی در تقسیمات مجالس و مشعله‌های کتاب، برخورداری کم و بیش اثر در گزارش‌های تاریخی از ارجاعات به منابع پیشین و نیز بهره‌مندی متن از اشعار غالباً ساده و همه‌فهم و در عین حال سلیس و سوزناک و مواردی دیگر از این دست که این نوشتار در صدد بازجست و توضیح آن بوده است؛ ضرورت و اهمیت تصحیح و توضیح این اثر را در فهرست آثار آیینی - ادبی دوره قاجار، وجهه همت نگارنده قرار داده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- آل داود، سید علی (۱۳۸۹) سفینه‌مراثی و نوحه‌ها، چاپ اول، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۴) اشک خون (مناقب و مراثی حضرت سیدالشهداء)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسوه.
- افشار، ایرج، محمدتقی دانش‌پژوه و علی نقی منزوی (۱۳۴۷) فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۵، چاپ اول، تهران، چاپخانه مجلس.
- باریک‌بین، محمدکریم (۱۳۹۰) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امام صادق (ع) قزوین، جلد دوم، چاپ اول، قزوین، انتشارات حوزه علمیه قزوین.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۳) تعزیه خوانی، حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

- بهار، محمدتقی (۱۳۷۵) **سبک شناسی**، چاپ هشتم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- تنکابنی، میرزا محمد (بی تا) **قصص العلماء**، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة.
- چلکووسکی، پیتر. جی (۱۳۸۴) تعزیه، آیین و نمایش در ایران، ترجمه داود حاتمی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) با همکاری شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حافظ (۱۳۷۷) **دیوان غزلیات**، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به کوشش و با توضیحات خلیل خطیب رهبر، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات صفی علیشاه.
- حسینی جوهری، عباس (۱۳۷۵) **خزائن الأشعار** (کلیات هفت جلدی)، چاپ دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- خزائن، حسن (۱۳۸۴) **فرهنگ ادبیات جهان**، ج ۴، چاپ اول، تهران، نشر کلبه.
- خطیبی، حسین (۱۳۷۵) **فن نثر در ادب پارسی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار.
- خیام پور، ع. (۱۳۷۲) **فرهنگ سخنوران** (دوره دو جلدی)، چاپ اول، تهران، انتشارات طلایه.
- خیری، سید محمود (۱۳۷۰) **فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین** (تذکره الشعراء قزوین)، به کوشش نقی افشاری، چاپ اول، قزوین، انتشارات طه.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹) **فهرست واره دست نوشتههای ایران**، ج ۵، چاپ اول، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد (۱۳۶۵) **حدیقه الشعراء**، تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، بی جا، انتشارات زرین.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۸) **زندگانی امام حسین (ع)**، چاپ چهاردهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سامانی، عمان (۱۳۸۲) **دیوان** (گنجینه الاسرار، معراج نامه، قصاید، غزلیات)، چاپ اول، تهران، انتشارات فراروی.
- سبزواری، حاجی ملا هادی (اسرار) (۱۳۷۵) **دیوان** (مطلع الانوار)، با مقدمه استاد علی فلسفی، به کوشش علی کریمی، چاپ اول، تهران، انتشارات تالار کتاب.
- سعدی (۱۳۸۸) **کلیات اشعار**، تصحیح محمد علی فروغی، به کوشش فضل الله دوروش، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات نگاه.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) **تازیانه های سلوک** (نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنایی)، چاپ دوم، تهران، آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴) **آشنایی با عروض و قافیه**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات بدیهه با همکاری انتشارات فردوسی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸) **انواع ادبی**، چاپ ششم، تهران، انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴) **بیان**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات فردوس و نشر اندیشه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) **نگاهی تازه به بدیع** (ویرایش سوم)، چاپ اول، تهران، نشر میترا.

۱۰۴ شرح احوال و ارزش‌های ادبی ماتمکده بیدل قزوینی

- شهیدی، عنایت الله (۱۳۸۰) پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- صاحب‌کاری، ذبیح الله (۱۳۷۹) سیری در مرثیه عاشورایی، چاپ اول، مشهد، موسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- صالحی راد دربندسری، حسن (۱۳۸۰) مجالس تعزیه، چاپ اول، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات ایران، تلخیص محمد ترابی، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس.
- الطهرانی، علامه شیخ آقابزرگ (۱۴۰۳ هـ ق / ۱۹۸۳ م) الذریعه الی تصانیف الشیعه، قسم الاول من الجزء التاسع، الطبعة الثالثة، بیروت، دار الاضواء.
- فدایی مازندرانی (۱۳۷۷) دیوان، مقدمه تصحیح و تعلیقات: فریدون اکبری شلدره ای، چاپ اول، قم، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه.
- فرغانی، سیف (۱۳۴۱) دیوان، تصحیح دکتر ذبیح الله صفا، تهران، بی جا.
- فروغی بسطامی (۱۳۶۸) دیوان، با مقدمه استاد سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاویدان.
- فرهنگ جغرافیایی قزوین (۱۳۷۸) جلد ۲۶، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- فکرت، محمد آصف (۱۳۶۹) فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد، نشر آستان قدس.
- قمی شیخ عباس (۱۳۸۲) کلیات مفاتیح الجنان، تصحیح و ترجمه: سید محمدحسین سجاد، چاپ سوم، اصفهان، انتشارات و عرضه محصولات فرهنگی ثامن الائمه (ع).
- گلریز، سید محمدعلی (۱۳۶۸) مینودر یا باب الجنة (شرح حال و آثار رجال و دانشمندان قزوین)، جلد دوم، چاپ اول، قزوین، انتشارات طه.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰) تاریخ نسخه پردازي و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مشار، خان بابا (۱۳۵۳) فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۴، چاپ اول، تهران، چاپخانه ارژنگ.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۷۸) کلیات شمس تبریزی، مطابق با نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزانفر، چاپ اول، تهران، نشر پیمان.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۷۷) مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، به کوشش مهدی آذر یزدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پژوهش.
- ناطقی، علی اوسط و رمضانعلی انتظاری (۱۳۸۶) فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ج ۲، چاپ اول، تهران، چاپخانه موسسه بوستان کتاب.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳) بدیع از نگاه زیبایی شناسی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

حمید عابدیها ۱۰۵

- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۴) **سرزمین قزوین**، چاپ دوم، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: راستی نو.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵) **ریاض العارفین**، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲) **مجمع الفصحاح**، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- یان ریپکا و همکاران (۱۳۸۱) **تاریخ ادبیات ایران** (از دوران باستان تا قاجاریه)، ترجمه عیسی شهابی، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

